



درگذشت استاد "شیخ حبیب الله ذوالفنون" منجم و شاعر معاصر (1326 ش.)

استاد حبیب الله ذوالفنون تهراني عراقی در سال 1239 ش (1278 ق) در سلطان آباد اراك به دنیا آمد. او به مدت بیست سال، بدون آن که استاد معینی داشته باشد به تحصیل علوم مختلف پرداخت. ذوالفنون سپس به نجف رفت و مدت ده سال به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به ویژه تفسیر قرآن، همت گماشت. استاد ذوالفنون در نجف به مجلس درس استادانی همچون میرزا حبیب الله رشتی، محمد فاضل شرایبانی، حاج میرزا حسین میرزا خلیل و سید مرتضی کشمیری پیوست. وی سپس به ایران بازگشت و یک چند در بوشهر و شیراز و اصفهان گذراند تا اینکه در اصفهان از حوزه درس بزرگانی چون میرزا جهانگیر خان قشقایی، آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آخوند ملافتحعلی اراکی بهره‌مند گردید. استاد ذوالفنون سپس به تهران کوچید و تا پایان عمر در این شهر به سر برد. وی چندی در دارالمعلمین مرکزی و مدرسه عالی سپهسالار، علوم ریاضی را تدریس کرد و آثاری را نیز از خود به یادگار گذاشت که حرکت قمر و دیوان اشعار از آن جمله‌اند. ذوالفنون عراقی منجمی فاضل و مستخرج تقویم بود و تقویم استخراجی ذوالفنون تا چندین سال در سالنامه پارس، چاپ و منتشر می‌شد. وی در حکمت الهی، فقه، ادب، تفسیر، ریاضیات و هیئت و نجوم، استاد بود و آن‌ها را تدریس می‌کرد. او همچنین به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. استاد ذوالفنون عراقی سرانجام در سوم دی ماه 1326 ش برابر یازدهم صفر 1367 ق در 87 سالگی درگذشت و در جوار امامزاده عبدالله در شهر ری به خاک سپرده شد.

درگذشت "سید محمد صادق طباطبایی" از رجال مشروطه (1340 ش.) سید محمد صادق فرزند سید محمد طباطبایی یکی از دو رهبر مشروطیت، در سال 1262 ش (1300 ق) در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در نجف اشرف ادامه داد. او در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به تهران آمد و مدرسه الاسلام را تأسیس کرد. سید صادق در کنار پدر و سایر مراجع فعالیت زیادی برای نهضت مشروطه نمود. او در دوره استبداد صغیر به مشهد و سپس به اروپا تبعید شد و بعدها در سه دور به مجلس راه یافت. سید صادق طباطبایی در سال 1303 ش سفیر کبیر ایران در ترکیه گردید ولی از سال 1306 تا 1320 ش انزوا و گوشه‌گیری اختیار کرد. او در دوره چهاردهم مجلس نیز به وکالت رسید و با اکثریت ضعیفی رییس مجلس گردید. سید محمد صادق در مجلس در مقابل سید حسن مدرس فعالیت می‌کرد و از دوستان نزدیک رضاخان به شمار می‌آمد. وی نقش مؤثری در روی کار آمدن رضا خان به نخست‌وزیری داشت و پس از آن که به سفارت ایران در ترکیه رفت، عبا و عمامه را به کت و شلوار و کروات تبدیل نمود. او در طول فعالیت‌های سیاسی خود، پست‌های متعددی اشغال کرد و در دوران سلطنت رضاخان، روابط حسنه‌ای با او داشت. طباطبایی در سال 1332 ش سناتور انتخابی تهران شد و سرانجام در سوم دی ماه 1340 ش در 78 سالگی درگذشت.

عملیات کربلای چهار (1365 ش.) عملیات کربلای چهار در چنین روزی از سال ۱۳۶۵ هجری شمسی در منطقه عملیاتی غرب اروندرود آغاز گردید. تصمیم برای یک‌سره کردن کار جنگ با اجرای عملیات بزرگ در سال ۱۳۶۵ ش تلاش سپاه پاسداران را برای طراحی عملیات کربلای ۴ در منطقه ابوالخصیب و شلمچه با هدف رسیدن به دروازه‌های بصره، در پی داشت. جنگ شهرها در سطح گسترده، حمله به مراکز اقتصادی، صنعتی و نفتی فشار فوق‌العاده‌ای را بر کشور وارد ساخته و به‌ویژه، کاهش بسیار زیاد قیمت نفت تا مرز ۵،۵ دلار در هر بشکه موجب تشدید این فشارها شده بود. همراه با این فشارها، تحرک جدید دشمن در عرصه زمینی که پس از اشغال اراضی کشور در آغاز جنگ برای نخستین‌بار صورت می‌گرفت، جبهه خودی را تحت فشار قرار داده بود. در چنین شرایطی، براساس راهبرد نظامی ارائه شده از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مسئولان کشور برای نیل به پیروزی در جنگ باید در جبهه جنوب، جاده‌های شمالی و جنوبی بصره و نیز در جبهه شمالی جاده‌های مواصلاتی کرکوک به بغداد، قطع و یا تهدید شوند تا صدور نفت عراق به خارج کاملاً قطع گردد و سپس حرکت اصلی به سمت بغداد شروع شود. بر همین اساس، محاصره و سپس تصرف شهر بصره به‌عنوان هدف عملیات اصلی سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۵ ش مورد توجه قرار گرفت. از دیگر ویژگی‌هایی که باعث انتخاب این منطقه برای عملیات شد، عوارض موجود در زمین غرب اروندرود در منطقه ابوالخصیب بود، زیرا وجود نهرها، نخلستان‌ها و کانال‌های کشاورزی و نیز عدم وجود استحکامات در منطقه پتروشیمی تا بصره این منطقه را قابل تصرف و پدافند می‌نمود. همچنین، به دلیل آن که دو جناح منطقه عملیاتی از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهی و از جنوب به خور زبیر و زمین‌های باتلاقی اطراف آن محدود شده بود، قدرت تحرک دشمن ضعیف برآورد می‌شد. مزیت دیگر منطقه عملیاتی، واگذاری مسئولیت حفاظت و اداره آن به سپاه‌های سوم و هفتم عراق بود. این مسئله، با توجه به مانور عملیات که نفوذ از میان خط حد دو سپاه بود، یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه عملیاتی به‌شمار می‌رفت. مانور در این عملیات، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشت چرا که تجربه عبور از عرض رودخانه اروندرود در عملیات والفجر ۸ این بار می‌بایست در طول رودخانه انجام می‌گرفت و این عبور که خود تاکتیک ویژه و ابتکار عملیات به‌شمار می‌رفت، در صورت تحقق جنبه‌های دیگر آن شامل شکستن خط، پاک‌سازی، نفوذ در عمق و تسلط بر چند راه ورودی شهر بصره می‌شد، تحول عظیمی در جنگ ایجاد می‌کرد، از این‌رو از اردیبهشت تا مهر ۱۳۶۵ ش و سپس آذرماه همان سال بحث‌های مختلف و طرح‌های گوناگونی ارائه شد، ولی به دلیل معایب آن‌ها منتفی گردید تا این که پس از یک دور بحث، طرحی تصویب شد که مورد توافق کلیه فرماندهان

بود. در جلسه ۱۶ مهر ۱۳۶۵ش پس از بحث و گفت‌وگو، سرانجام فرماندهان یگان‌ها مانور عملیاتی از پنج ضلعی در شلمچه تا جزیره سهیل در مقابل جزیره مینو را پذیرفتند. آن‌ها پذیرفتند که زمین شلمچه بر زمین مقابل جزیره مینو ترجیح دارد. همچنین، اهمیت زمین دو طرف اروند و ابوالخصیب و نیز تاکتیک ویژه برای عبور از تنگه مورد قبول واقع شد. از نیمه دوم مهرماه، کار آماده‌سازی منطقه عملیات با جدیت پیگیری شد. در حین این پیگیری و پیشبرد امور، بحث مانور باز هم مطرح شد و سرانجام در آذرماه فرمانده سپاه با دریافت نظرات و مسائل جدید طی جلسه‌ای با هاشمی رفسنجانی، خط جدید کاری را به نیروی زمینی سپاه ابلاغ کرد. مطابق آخرین تصمیم‌گیری و جمع‌بندی وضع موجود برای انجام عملیات کربلای ۴، چهار زمین شلمچه، ابوالخصیب، منطقه مقابل جزیره ام‌الرصاص و جزیره مینو انتخاب شد. این عملیات می‌بایست در ساعت ۲۲:۳۰ در تاریخ سوم دی‌ماه سال ۱۳۶۵ هجری شمسی آغاز شود. به‌همین خاطر، غواص‌های خودی ساعاتی قبل به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان، نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای خودی شلیک می‌کردند. در مجموع، عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری، یگان‌ها با توجه به نوع وضعیت و هوشیاری و عکس‌العمل دشمن به محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز می‌کردند. در این حال، رمز عملیات - یا محمد (ص) - حدود ساعت ۲۲:۴۵ اعلام شد و نیروهای عمل‌کننده فقط توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام‌الرصاص، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق نیز به‌صورت موضعی رخنه نمایند. در مقابل، نیروهای دشمن با پرتاب پی‌درپی منور و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عریض (عقبه برخی از یگان‌ها) و همچنین اجرای آتش مؤثر روی رودخانه اروند، عملاً سازمان غواص‌ها و نیز نیروهای موج دوم و سوم را به هم زد؛ به‌طوری‌که نیروهای یگان‌های مجاور بعضاً پراکنده شده و اغلب نمی‌توانستند روی هدف عمل نمایند. یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام‌الرصاص و نوک بوارین بود که به‌رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد، به‌خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک پرحجم تیربار روی آب، از عبور نیروها از تنگه ام‌الرصاص - بوارین جلوگیری کرد. مضافاً به این‌که به‌خاطر حساسیتی که دشمن نسبت به ام‌الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره می‌برد، به‌طوری‌که هرگاه از هر خط عقب رانده می‌شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراق و تسلط داشت، مقاومت می‌کرد. در این حال، با توجه به هوشیاری دشمن، امکان ادامه عملیات میسر نبود، لذا به‌منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

روز ثبت احوال سوم دی ماه به عنوان روز ثبت احوال در تقویم رسمی کشور وارد شد با تصویب شورای شورای فرهنگ عمومی کشور سوم دی ماه به عنوان روز ثبت احوال در تقویم رسمی کشور وارد شد. این روز اولین شناسنامه ایرانی صادر شد. ثبت احوال بصورت یکپارچه و منسجم در جهان مربوط به قرن نوزدهم میلادی است. در ایران همزمان با نوسازی و مدرنیزاسیون و نیاز به شناسایی اتباع جهت ایجاد ارتش منظم، اخذ مالیات و... تاسیس ثبت احوال در دستور کار قرارگرفت از این رو در جلسه مورخه 30 آذر ماه 1297 هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و با صدور اولین شناسنامه برای دختری به نام فاطمه ایرانی در تاریخ 3 دیماه 1297 در تهران فعالیت خود را آغاز کرد. تا قبل از سال 1295 هجری شمسی ثبت وقایع حیاتی از جمله ولادت و وفات براساس اعتقادات مذهبی و سنت های رایج در کشور، با نگارش نام و تاریخ ولادت مولود در پشت جلد کتب مقدس از جمله قرآن مجید به عمل می آمد و از افراد متوفی نیز جزء نام و تاریخ وفات آنان که بر روی سنگ قبر ایشان نگاشته می شد اثری مشاهده نمی گردید. با گسترش فرهنگ و دانش بشری و نیز توسعه روز افزون شهرها و روستاها و افزایش جمعیت کشور، نیاز به سازمان و تشکیلاتی برای ثبت وقایع حیاتی ضرورتی اجتناب ناپذیر می نمود. به تدریج فکر تشکیل سازمان متولی ثبت ولادت و وفات و نیز صدور شناسنامه برای اتباع کشور قوت گرفت. ابتدا سندی مشتمل بر 41 ماده در سال 1297 هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و اداره ای تحت عنوان اداره سجل احوال در وزارت داخله (کشور) وقت به وجود آمد.

درگذشت "محیی الدین مغربی" منجم آندلسی (682 ق) محی الدین مغربی ریاضی‌دان و منجم آندلسی در زادگاهش فقه را آموخت اما چون گرایش بیشتری به ریاضی و نجوم داشت به مطالعه در این علوم روی آورد و دانش بسیار اندوخت. محی الدین مدتی به عنوان دستیار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه‌ی مراغه به کار اشتغال داشت و در این مدت، تجارب بسیار با ارزشی کسب کرد. وی دارای تالیفاتی از قبیل شکل القطاع و نیز تحریر اصول اقلیدس می‌باشد.

شهادت "ثقة الاسلام میرزا علی آقا تبریزی" توسط قوای متجاوز روس در تبریز (1290ش) میرزا علی آقا تبریزی معروف به ثقة الاسلام، در سال 1239 ش (رجب 1277 ق) در تبریز به دنیا آمد. وی در 23 سالگی راهی عتبات عالیات گردید و در محضر شیخ محمد حسین فاضل اردکانی، میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی در تکمیل معارف اسلامی خود کوشید تا به مقام اجتهاد نائل آمد. ثقة الاسلام تبریزی پس از هشت سال به تبریز مراجعت کرد و با نطق و موعظه، در هدایت افکار مردم می‌کوشید. پس از استقرار نظام مشروطه و پایان یافتن دوره استبداد صغیر در ایران، روسیه که حامی استبداد بود، در صدد اعاده استبداد در کشور برآمد و به دنبال بهانه بود. استخدام مورگان شوستر آمریکایی توسط مجلس شورای ملی برای خزانه‌داری کل کشور، بهانه را به دست آنها داد. روس‌ها از این عمل برآشفته شدند و طی اولتیماتوم شدیدی، خواهان اخراج شوستر شدند. در این زمان بین مجلس و دولت بر سر این اولتیماتوم، بحث‌های زیادی درگرفت که در این حال، نیروهای روسیه نیز بخشی از مناطق غرب و شمال ایران را به اشغال خود درآوردند. با ورود سپاهیان روس به تبریز، بسیاری از مردم به دست آنان قتل عام شدند و ثقة الاسلام تبریزی نیز سعی می‌کرد با گفتگو مانع از کشتار مردم گردد. در نهایت، روس‌ها ثقة الاسلام را در روز نهم محرم 1330 ق برابر با نهم دی

ماه 1290 ش دستگیر کردند. آن‌ها از ثقة الاسلام خواستند که برای حفظ جان و مقام خود، مجاهدان تبریزی را آغازگر جنگ و کشتار معرفی کند ولی وی این تقاضا را به شدت رد کرد. بنابراین قوای جنایت پیشه روس، این عالم مجاهد را پس از اهانت و هتک حرمت، به دار کشیده و در دهم دی ماه 1330 ش برابر با عاشورای سال 1330 ق به شهادت رساندند. میرزا علی آقا ثقة الاسلام مردی فاضل، قانع، فروتن و بردبار و در عین حال جسور و بی‌باک بود. به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید و از بیگانگان نفرت داشت. در روزهایی که تبریز عرصه کشاکش اختلافات داخلی بود، وی سعی می‌کرد تا آن‌ها را به هم نزدیک کند و نیروهایشان را در مبارزه با اشغالگران روس و انگلیس به کار گیرد. ثقة الاسلام در عرصه ادب نیز دستی توانا داشت و به هر دو زبان فارسی و عربی مسلط بود. مرآة الکُتُب و مقتل سید الشهدا از جمله آثار این مجاهد انقلابی می‌باشند.

تأسیس مجمع جهانی اهل بیت(ع) به دستور مقام معظم رهبری حضرت آیت الله "خامنه‌ای" (1369ش) مجمع جهانی اهل بیت(ع) در دهم دی ماه 1369، با هدف تجمع شیعه، ایجاد رابطه بین جهان تشیع، رونق بخشیدن به حوزه‌های علمیه شیعه، حل مشکلات شیعیان با سایر فرق اسلامی و استفاده از امکانات حقیقی و حقوقی اهل تشیع به وجود آمد. شکل‌گیری این مجمع پس از حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهارم دی ماه آن سال، با هدف آشنا نمودن شیعیان سراسر جهان به مبانی انقلابی و تفکر حاکم بر نظام اسلامی ایران انجام شد. ایشان تأکید کردند که اولاً سیاست، سر لوجه اقدامات قرار نگیرد و ثانیاً بر اساس مصلحت، اگر نیاز نبود، در کارها تصریح به نام ایران نشود.

مرگ "آلفرد وایتهد" فیلسوف و ریاضی‌دان معروف انگلیسی (1947م) آلفرد نورث وایتهد، ریاضی‌دان و فیلسوف انگلیسی در 15 فوریه 1861م به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات خود، به تدریس فلسفه و ریاضی در دانشگاه‌های انگلستان و آمریکا مشغول شد و کتاب‌هایی درباره ریاضیات نگاشت. وایتهد برخلاف سال‌های جوانی که بیشتر به ریاضی تمایل داشت، در سنین پایانی عمر خود به فلسفه روی آورد و به آن پرداخت. از آن‌جا که وایتهد از یک خاندان روحانی بود، بیشتر به جنبه معنوی دنیا اهمیت می‌داد تا جنبه مادی آن. وی مخالف هر گونه دوگانگی میان روح و ماده، خدا و جهان، دین و علم و واقع‌گرایی و خیال‌پردازی بود و در راه آشتی دادن و سازگاری میان این اجزای ناسازگار تلاش می‌کرد. وایتهد اعلام داشت که سراسر جهان فرایندی مستمر از اعمال متقابل ناهماهنگ است. در حقیقت وی در تکثیر ظاهری اشیاء، وحدت اساسی آن‌ها را مشاهده می‌کرد. از وایتهد آثاری بر جای مانده که اصول نسبیت، دین در دست ساختمان، فرایند و واقعیت و سرگذشت اندیشه‌ها از آن جمله است. با این حال زبان و نوشتار وایتهد جنبه فنی و پیچیده دارد و همین امر باعث شده است که اغلب افکار و اندیشه‌های او گنگ و نامفهوم باشد. آلفرد نورث وایتهد سرانجام در 30 دسامبر 1947م در 86 سالگی در گذشت.